

آندره ژید

مأده‌های زمینی

ترجمه: سیروس ذكاء

با ویرایش جدید



شاب: ۹۶۷-۲۶-۲۶-۲۶
ISBN: 978-964-2575-91-6

I. Montaigne

شماره ۱۰۰۲۶

مقدمه مترجم

آندره ژید جزو آن دسته از نویسندگان فرانسوی است که خویشتن را موضوع نوشته‌های خود قرار داده‌اند. کوشش این نویسندگان در این است که هر چه بیشتر خود را بشناسند. در ادبیات فرانسه سردرسته اینگونه نویسندگان «مونتینی»^۱ است، و آندره ژید از جهانی به او بی‌شبهت نیست. آثار ژید هر شکلی که به خود بگیرد خواه شعر و خواه رمان و روزنامه شخصی، در هر حال نویسنده در آنها به حد و سواس با مسائل زندگانی درونی که برای خود طرح می‌کند سروکار دارد.

اختلاف او با «مونتینی» در این است که مونتینی پس از تجربیات و عبرت‌هایی که از تاریخ می‌گیرد، به دنیای باصفا و آرامی گام می‌نهد که نسیم شک و تردید در آن می‌وزد. در صورتی که ژید، از بررسی دائمی افکار و معتقدات خود به نوعی اضطراب پایدار دچار می‌گردد. علاوه بر این نتایجی که ژید پس از درون‌کاوی‌های خود بدان‌ها می‌رسد برای او موقتی است، در حالی که رفتار ذهنی او پابرجا و ثابت است.

این روش ذهنی تغییرناپذیر از تمایل نویسنده به صمیمیت و صداقت و نیز از احترامی که همواره به آزادی خود و دیگران قائل است هویدا است.

ژید در آثار خود، قراردادهای و رسوم اخلاقی و اجتماعی را زیر پا می‌گذارد و راه خود را در جهان اندیشه‌ها به منظور برپا ساختن خویشتن خود می‌جوید. هیچ‌یک از امیال خود را پنهان نمی‌کند و چون روی هم رفته نوشته‌هایش اعترافاتی بیش نیست از این جهت گاهی این گمان را در خواننده برمی‌انگیزد که اندکی گستاخانه به دنبال آزادی خویشتن است، ولی شاید این نیز دلیلی بر شدت صداقت و صمیمیت اوست.

کتاب «مائده‌های زمینی» که اینک ترجمه فارسی آن به خوانندگان عرضه می‌شود، از آثار جوانی ژید است که در سال ۱۸۹۷ میلادی انتشار یافته. این کتاب در زمان انتشار خود مورد توجه واقع نگردید و در ظرف ده سال فقط ۵۰۰ نسخه از آن به فروش رفت. با اینکه این کتاب از نخستین نوشته‌های آندره ژید است، با این حال وی تقریباً تمام آنچه را که می‌توان فلسفه او نامید در آن گنجانیده است و هر چه بعداً نوشته در تعقیب اندیشه‌هایی است که در این کتاب بیان گردیده، یعنی امتناع از هرگونه علاقه و وابستگی، آمادگی دائمی، کشف مداوم دنیایی تازه و شوق به زندگی و احساس آن، ریشه تعالیم این کتاب را در کتاب مقدس و نوشته‌های نیچه فیلسوف آلمانی باید جست. نشانه‌هایی از تأثیر ادبیات مشرق زمین نیز در آن دیده می‌شود.

مائده‌های زمینی نه در نسل معاصر خود بلکه در نسل پس از آن تأثیر عمیقی بخشید و مقدمه جنبش‌های ادبی و فکری نسبتاً بسیاری گشت. گریز و آمادگی و شوق و شوری که در آن پرورانده شده بود افکار طبقه جوان را متأثر ساخت.

سبک انشاء این کتاب اندکی تصنعی است، با این همه ژید بعدها می‌گفت که در قطع کردن و ناتمام گذاشتن جمله‌های آن هیچ‌گونه تکلفی به خرج نداده و هیچ‌یک از این ناتمامی‌ها بی‌دلیل نیست و حاکی از اندیشه اوست.

شاید امروز که ۱۱۰ سال از تاریخ انتشار این کتاب می‌گذرد و در طی آن دو جنگ بزرگ که باعث گسیختگی‌ها و مهاجرت‌ها و آمیزش‌های بسیار گردیده است وقوع یافته، برخی از اندیشه‌های این کتاب درستی و اهمیت معنی خود را از دست داده و حتی گاهی نامأنوس و بیهوده به نظر برسد، ولی این طرز قضاوت خطاست. هر اثر را باید در زمان و مکان و شرایط خاص آن در نظر آورد. روزی که این کتاب انتشار یافت هنوز دنیا به این درجه به هم نیامیخته و گریز و رهایی از بندهای ملی و مذهبی تا این اندازه سهل نبود و برای همین، دعوت آندره ژید معنی‌ای بزرگتر و افسون و کششی قوی‌تر داشت. از شوق لبریز بود و از سوز می‌گداخت و اگر امروز به حیطة عمل کشیدن اندیشه‌های این کتاب آن قدرها دشوار نمی‌نماید خود گواه بر این است که کوشش آنده ژید و نویسندگانی همانند او بیهوده نبوده است.

۳- این کتاب را من هنگامی نوشتم که تازه زندگیم را با ازدواج ثبات بخشیده بودم و آزادی را که به دلخواه بر سر این کار نهاده بودم کتابم به خصوص از آنجا که یک کار هنری بود مضرانه مطالبه می‌کرد. بی‌گفتگو است که به هنگام نوشتن آن کاملاً صدیق و راستگو بودم، ولی در عین حال در انکار مکنونات قلبی خود نیز صداقت داشتم.

۴- اضافه می‌کنم که ادعا داشتم بر سر این کتاب نایستم. در نقاشی حالت ناپایداری و آمادگی در این کتاب، همانند رمان‌نویسی بودم که خطوط سیمای پهلوانی را که شبیه خود او ولی آفریده‌اوست رسم می‌کند و حتی امروز نیز چنان به نظرم می‌رسد که این خطوط و تمایزات را بی‌آنکه آنها را از خود جدا کرده باشم و یا بهتر بگویم بی‌آنکه خود را از آنها جدا کرده باشم ثبت نمی‌کردم.

۵- معمولاً مرا از روی این کتاب دوره‌ جوانیم قضاوت می‌کنند، چنانکه گویی اصول اخلاقی مائده‌های زمینی اصول اخلاقی تمام عمر من بوده است و یا من خود نخستین کسی نبودم که اندرزی را که به خواننده‌ جوان خود داده بودم به کار بسته باشم. «کتاب مرا به دور افکن و مرا ترک کن» آری من نیز به زودی آن کس را که به هنگام نوشتن مائده‌های زمینی بودم ترک گفتم. به حدی که وقتی زندگی خود را بررسی می‌کنم برجسته‌ترین خوبی که در آن می‌بینم چیزی بسیار دور از عدم ثبات و بلکه درست برعکس آن یعنی وفاداری است. وفاداری عمیق دل و اندیشه که به گمانم بسیار کمیاب است.

اگر کسانی هستند که بتوانند پیش از مرگ خود، آنچه را که وعده انجامش را به خود داده بودند انجام یافته ببینند، به من نشان دهید تا در جرگه آنها درآیم.

۶- چند کلمه دیگر: برخی نمی‌توانند و یا نمی‌خواهند جز تحلیل میل

مقدمه چاپ ۱۹۲۷

چنین معمول شده است که مرا در این دفترچه گریز و رهایی محبوس گردانند. با استفاده از فرصتی که تجدید چاپ این کتاب به من می‌دهد می‌خواهم نکات چندی را به خوانندگان جدید عرضه بدارم. نکات مزبور با تعیین مقام و مرتبه این کتاب و با توجه نمودن مطالب آن در تخفیف اهمیت آن به نحوی روشن‌تر مؤثر خواهند بود.

۱- مائده‌های زمینی اگر کتاب یک نفر بیمار نباشد دست کم کتاب مرضی است که شفا یافته. یعنی کسی که بیمار بوده است. در لحن شاعرانه آن افراط کاری کسی دیده می‌شود که زندگانی را همچون چیزی که نزدیک بوده از دست بدهد در آغوش می‌کشد.

۲- این کتاب را من زمانی نوشتم که ادبیات به شدت بوی تصنع و ماندگی به خود گرفته بود و به نظرم می‌آمد که باید آن را هر چه زودتر به سوی زمین بازگرداند تا به سادگی پای عریان بر خاک نهد.

عدم موفقیت کامل این کتاب نشان داد که تا چه حد به ذوق زمانه گران آمده بود. هیچ منتقدی درباره آن چیزی نگفت. در عرض ده سال فقط ۵۰۰ نسخه از آن به فروش رفت.